

آسترید لیندگرن نویسنده‌ای

ترجمه و تدوین: نسرین وکیلی

ادبیات کودکان سوئد، امروز در عرضه بین‌المللی، اعتبار قابل توجهی کسب کرده و این اعتبار را مدیون آسترید لیندگرن است. وی در سال ۱۹۵۸، جایزهٔ ارزنده اندرسن را از دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان IBBY، دریافت کرد.

در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، ادبیات کودکان نقشی چشمگیر در طرح مسائل عمومی مربوط به فرهنگ جامعه ایفا کرد و در میان کسانی که پایه‌گذار این نقش در ادبیات کودکان هستند، باید از آسترید لیندگرن نام برد. قلم بی‌بدیل و پرتنوع او، همراه با بیست سال تجربهٔ ویرایش، تأثیری ماندگار بر ادبیات کودکان این کشور گذاشته است. این تأثیر، با انتشار کتاب «پی پی جوراب بلند» که در سال ۱۹۴۵ منتشر شد، چشمگیرتر شد. او یک شاعر ملی است و

آسترید لیندگرن دوشنبه ۲۸ ژانویه ۲۰۰۲ (۸ بهمن ۱۳۸۰) ساعت ۱۰/۳۰ صبح در خانه خود در آرامش فوت کرد.

سفر به سوی «نان گیالا» بخیر، آسترید!...
دلماں برایت تنگ خواهد شد!

آسترید از مرگ نمی‌هراسید، یک بار در مصاحبه‌ای گفته بود: مرگ برایم اهمیتی ندارد، با خوشحالی از آن استقبال خواهم کرد، اما نه درست همین الان، اول باید خانه را تمیز کنم...
وی در چهارده نوامبر ۱۹۰۷ به دنیا آمد، در نوامبر ۲۰۰۱، سه ماه پیش از فوتش، وقتی از او پرسیدند؛ برای نود و چهارمین سالگرد تولدش چه آرزویی دارد، با خنده‌ای جواب داد:
صلح برای کره زمین و لباس‌های زیبا.

او بیش از ۷۰ کتاب نوشته که به ۷۶ زبان ترجمه شده و تقریباً در ۸۰ میلیون نسخه فروش رفته است. آسترید لیندگرن آن چنان محبوبیتی در سوئد دارد که چهره او را روی تمبر تصویر کرده‌اند و دو طرف عکس او نام کتاب‌های «رونیا، دختر یک راهزن»، «پی پی جوراب بلند»، «امیلی و کارلسون» نقش بسته است.



با دو میلیون خواننده در سال

نوشته‌های غنی و گوناگون وی تا اعماق روح سوئدی‌ها تأثیر می‌گذارد. آسترید، به همان اندازه که جامعه سوئد را در دوره‌های مختلف می‌شناسد، به افسانه‌های شمال اروپا (ایسلند، دانمارک، فنلاند و نروژ) هم مسلط است. هیچ‌کس به اندازه او برای بازسازی ادبیات کودکان سوئد و برانگیختن علاقه بچه‌ها و بزرگسالان به ادبیات کودک، نقش نداشته است.

او در سال ۱۹۴۴، با داستانی به نام «اعتماد به نفس بریت - مری» (Britt-Marie) خود را شناساند، اما درخشش ادبی او در سال ۱۹۴۵، با داستان «پی‌پی جوراب بلند» نشان داده شد. آسترید لیندگرن، با این نظر که کودکان موجوداتی قابل انعطاف هستند، «پی‌پی جوراب بلند» را آفرید. او با این داستان جذاب، بی‌باکانه با ادبیات سنتی کودکان برخورد کرد.

درواقع، بعضی از محافل فرهنگی محافظه‌کار سوئد، این سیستم زندگی آزادانه پی‌پی را غیرقابل هضم دانستند. آن‌ها معتقد بودند که این شخصیت داستانی، بیانگر دنیای بچه‌ها نبوده، بلکه ریشه در دنیای بزرگسالان دارد و نمایش‌دهنده فشار غیرقابل کنترل زندگی است که رویای شیرین آزادی را با میل به سرکشی و به دست آوردن قدرت، درهم می‌آمیزد و این آرزوی پنهان بزرگسالان را برای‌شان تجسم می‌بخشد. آسترید، با این داستان، درواقع جامعه و ارزش‌های آن را زیر سؤال می‌برد. از «پی‌پی جوراب بلند» می‌توان به عنوان یک اثر دوپهلوی و طنز یاد کرد. این کتاب، از بهترین کارهای اوست و اعتبار جهانی آن، یک مورد استثنایی است. پی‌پی، دختری است که مادرش را از دست داده و پدرش که کلیتاً نبوده، در جریان یک توفان در دریا افتاده و دیگر برگشته است. در نتیجه، او تنها زندگی می‌کند و در این تنهایی، ماجراهای جذابی به وجود می‌آورد که خوانندگان را شیفته خود می‌کند. او سرزنده، شیطان، پر قدرت و نترس است و در عین حال، قلبی رئوف و مهربان دارد. لیندگرن، براساس ماجراهای پی‌پی، چندین کتاب نوشته که معروف‌ترین آن‌ها همین «پی‌پی جوراب بلند» است.

این نویسنده، با اولین آثار خود، مهارتش را در داستان‌سرایی نشان داد. او با کتاب‌های سه‌گانه‌ای که درباره «بیل برگسون، کارآگاه بزرگ»، در سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۳ نوشت، به داستان‌های پلیسی کودکان، روح تازه‌ای بخشید. بعد کتاب «لیمون کوچولو» را در سال ۱۹۴۹ نوشت. این کتاب، مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه است. لیندگرن در این کتاب، نثر

غنايي را تجربه می‌کند و این شیوه، در شاهکاری چون «پسر، میو» (۱۹۵۴) و «چمنزار تابستانی» (۱۹۵۹) به کمال می‌رسد.

او در مجموعه دیگری از داستان‌های کوتاه خود، با استفاده از تکنیک افسانه‌های پریان، به شرح مسائل اجتماعی ناشی از فقر در سوئد می‌پردازد.

او در سه کتاب درباره «بچه‌های بولربی» (۱۹۵۲-۱۹۴۷)، روحیه همکاری و زندگی گروهی بچه‌هایی را به تصویر می‌کشد که در یک جامعه روستایی زندگی می‌کنند.

بزرگ‌ترین هنر او ترکیب گونه‌های مختلف ادبی است و پرداختن به موضوع‌ها، هم از جنبه روان‌شناختی و هم از جنبه هنری. لحن داستان‌های او صمیمی است. از نظر ساختمان، ممکن است پیچیدگی داشته باشد، اما اساساً کارهایش کشش و هیجان زیادی دارد و مستقیماً با بچه‌ها ارتباط برقرار می‌کند.

او با همه توان خود، به مشکل بچه‌های تنها و آسیب‌پذیر می‌پردازد و این که چگونه معمولاً آن‌ها به کمک تخیل خود، با ناملايمات زندگی برخورد می‌کنند.

شاهکار او زمانی است که تخیل واقعیت را درهم می‌آمیزد و هم چنان که در داستانی درباره شجاعت، به نام «پسر، میو» و داستان نمادین «برادران شیردل» چاپ ۱۹۷۳ که سراسر ماجراست، تمثیلی از تلاش بین مرگ و زندگی را پیش روی می‌آورند.

آسترید با همان مهارتی که غم بچه‌ها را نشان می‌دهد، در بیان شادی‌های آن‌ها نیز استاد است. شخصیت‌های داستان‌های او گاهی بیش از اندازه شجاع هستند. او در نوشتن داستان‌های کم‌دی هم بسیار موفق است. نمونه‌اش داستان‌های خنده‌داری است که در سال ۱۹۶۳، در مورد شخصیتی به نام «امیلی» نوشت و درواقع قسمت‌هایی از آن به زندگی خود او برمی‌گردد.

از بهترین کارهای اخیر او کتابی است به نام «رونیا، دختر یک راهزن»^۲ که در سال ۱۹۸۱ نوشت. مضمون این رمان، عشق و صلح است. رونیا و دوستش، آینده‌ای خلق می‌کنند که براساس عشق است؛ عشقی که نوع بشر، حیوانات و طبیعت را دربرمی‌گیرد. البته تم اصلی، عشق بین پدر و دختر است. در عین حال، نشان می‌دهد که رونیا و دوستش، با محبت و از خودگذشتگی، کینه دیرینه را از دل خانواده‌های خود درمی‌آورند.

نوآوری‌های بی‌بدیل آسترید لیندگرن، جای

خاصی در ادبیات سوئد دارد. کتاب‌های او بیش از سایر نویسندگان ترجمه شده است. در این جا خلاصه چند کتاب او را با هم می‌خوانیم.

خلاصه کتاب «پسر، میو»:

این کتاب، فانتزی پرماجری است که در آن پسر بچه‌ای به نام میو، مادرخوانده و پدرخوانده نامهربان خود را ترک می‌کند و پس از پشت سر گذاشتن ماجراهایی متوجه می‌شود که فرزند یک پادشاه است. در آن سرزمین، موجود شروری به نام «آقای کاتو» وجود دارد که افراد زیادی اسیر او هستند.

مثلاً بسیاری از بچه‌ها را بر اثر جادو، به پرنده تبدیل کرده و گروهی را در قلعه‌هایی زندانی و قلب بعضی از آن‌ها را تبدیل به سنگ کرده است. از هزاران سال قبل، پیشگویی شده بود که پسر بچه‌ای که خون شاهی در رگ‌های او جریان دارد، بر اسبی سفید با زین طلایی، به کمک دوست خود، به این بدبختی‌ها پایان خواهد داد. درخت‌ها، زمین و هر چه در اطراف اوست، به حمایت از او متحد می‌شوند؛ زیرا همگی به نحوی از «آقای کاتو» صدمه دیده‌اند. به میو گفته بودند که باید از آهنگری که در غارهای تو در تو اسیر «کاتو» است، شمشیری بگیرد که بتواند «آقای کاتو» را بکشد و سرانجام موفق می‌شود.

خلاصه‌ای از کتاب «برادران شیردل»:

کارل، پسر ده ساله‌ای است که به دلیل بیماری، قادر به بازی با کودکان دیگر نیست. او برادر مهربانی دارد که علاوه بر مراقبت از کارل، کارهای متهورانه‌ای را هم که بیرون از خانه انجام می‌دهد، برای او تعریف می‌کند. در طول داستان، کارل آن چنان در تصورات خود با برادرش، همدات‌پنداری می‌کند که از عالم واقع نیز خارج می‌شود و پس از یک سلسله وقایع تخیلی، شهادتی از خود نشان می‌هد که برادرش را هم متحیر می‌سازد.

خلاصه کتاب «رونیا، دختر یک راهزن»:

شبی که رونیا به دنیا آمد، رعد و برق در گرفت و توفانی سهمگین به پا شد. اما در قلعه مت و گروه راهزن‌های او شوری برپا بود؛ زیرا در آن شب، مت صاحب دختر کوچک سرحال و مشکین مویی شده بود. رونیا خیلی زود رقصیدن و فریاد برآوردن با راهزن‌ها را آموخت، اما فقط در جنگل بود که احساس راحتی می‌کرد. سپس یک روز رونیا، پرک پسر مت - دشمن بزرگ - را دید. زمانی از آشنایی رونیا و برک سپری نشده بود که سخت‌ترین کشمکش‌ها میان دو گروه حریف در گرفت و این رونیا و برک بودند که درمیانه این کشمکش قرار داشتند.

تاریخ‌های پراهمیت زندگی آسترید لیندگرن

۱۹۰۷ آسترید آنا امیلیا اریکسون (Ericsson Astrid Anna Emilia) در شهر نوس، واقع در اسولند به دنیا آمد.

۱۹۱۴ به مدرسه رفت و شهری که در آن زندگی می‌کرد (نوس)، به شبکه برق‌رسانی وصل شد.

۱۹۲۳ مدرسه را تمام کرد.

۱۹۲۴ در روزنامهٔ ویمربی تیدنینگن Wimmerby tidningon به کار پرداخت.

۱۹۲۶ برای اشتغال به سمت دفترداری، به استکهلم رفت. پسرش لارس (Lars)، به دنیا آمد.

۱۹۳۱ آسترید اریکسون، با استور لیندگرن ازدواج کرد.

۱۹۳۴ دخترش کارین به دنیا آمد.

۱۹۳۷ دوباره به کار پرداخت.

۱۹۴۴ اولین داستان خود «پی پی جوراب بلند» را نوشت و به عنوان هدیه تولد، به دخترش داد. دومین جایزه را برای کتاب «بریت ماریا» گرفت.

۱۹۴۵ اولین جایزه را برای «پی پی جوراب بلند» گرفت.

۱۹۴۶ در مؤسسهٔ رابن وسوگرن، به عنوان ویراستار، مشغول به کار شد.

۱۹۴۷-۱۹۴۸ برای اولین بار به انگلستان و آمریکا رفت.

۱۹۵۰ مدال نیلز هرلگرسون را گرفت.

۱۹۵۲ استور لیندگرن فوت کرد.

۱۹۵۶ جایزهٔ ویژهٔ کتاب کودک آلمان را برای کتاب «پسر، میو» گرفت.

۱۹۵۷ «جایزهٔ دولت سوئد برای نویسندگان برجستهٔ ادبیات» را دریافت کرد. آسترید اولین نویسندهٔ کودک است که این جایزه را از آن خود کرد.

۱۹۵۸ جایزهٔ بین‌المللی کتاب کودک هانس کریستین آندرسن را گرفت.

۱۹۵۹ جایزهٔ جشنوارهٔ کتاب کودک اسپرینگ نیویورک هرالڈ تریبون را برای کتاب «سیا در کلیمانجارو زندگی می‌کند»، از آن خود کرد.

۱۹۶۱ مادر آسترید فوت کرد.

۱۹۶۵ جایزهٔ دولت سوئد برای ادبیات را کسب کرد.

۱۹۶۷ مؤسسهٔ «رابن وسوگرن» و «مؤسسهٔ فردریک آنینگو»، جایزهٔ آسترید لیندگرن را بنیان گذاشتند. آسترید به شوروی سابق سفر کرد.

۱۹۶۹ پدرش فوت کرد.

۱۹۷۰ به عنوان ویراستار مؤسسهٔ رابن وسوگرن، بازنشسته شد. جایزهٔ کشتی طلایی انجمن سوئدی را برای ارتقای ادبیات دریافت کرد. جایزهٔ

Heffaklumpen و جایزهٔ

Lewis corroll shell را برای کتاب‌های

Emil and Piggy Beast و christmes in the stalle گرفت.

۱۹۷۱ «مدال طلایی آکادمی سوئد» را گرفت

۱۹۷۳ دکترای افتخاری از دانشگاه لینگویپینگ سوئد گرفت. جایزهٔ Lewis corroll shell را برای

کتاب «پی پی جوراب بلند» گرفت

۱۹۷۴ جایزهٔ smile را برای اقتباس روسی از کتاب «کارلسون روی بام» گرفت

۱۹۷۵ جایزهٔ Litteris et artlus (پلاکی که پادشاه سوئد اهدا می‌کند) و جایزهٔ silvergreffel را

برای کتاب «برادران شیردل» برد.

۱۹۷۸ جایزهٔ صلح کتابفروشان آلمان، به او تعلق گرفت. آسترید لیندگرن، اولین نویسندهٔ ادبیات

کودکان است که این جایزه را دریافت کرد. او نیمی از این جایزه را به کودکان آلمانی و نیمی دیگر را به

کودکان سوئدی هدیه کرد. او در این سال، هم‌چنین «جایزهٔ نویسندهٔ جهانی» را از رُم و دکترای افتخاری

ادبیات را از دانشگاه لچستر انگلستان، دریافت کرد.

۱۹۷۹ جایزهٔ ویلهلم هوف و جایزهٔ جهانی بین‌المللی Janury - Korczak را برای کتاب «برادران شیردل» گرفت.

۱۹۸۴ برای کتاب «رونیا، دختر یک راهزن»، جایزهٔ Mildtedl. Batchelder را از آمریکا، جایزهٔ

Dag Hammersklold را از سوئد و جایزهٔ John Hansson را از آمریکا دریافت کرد.

۱۹۸۵ در این سال، با بیش از دو میلیون امانت

گیرنده از کتابخانه‌های عمومی سوئد، پرخواننده‌ترین نویسندهٔ سوئد معرفی شد.^۴ در همین سال، جایزهٔ

Illis auruam (مدال طلا از دولت سوئد) و جایزهٔ خرس نقره‌ای را برای فیلم «رونیا، دختر یک راهزن»

گرفت وی هم‌چنین، جایزهٔ Karen Blixen را از آکادمی دانمارک، جایزهٔ Jovanoric Zmaj از کزر

یوگسلاوی و جایزهٔ کتاب کودک فرانسه را دریافت کرد.

۱۹۸۶ پسرش، لارس و هم‌چنین فردریک آتینگر Friedrich Oetinger فوت کردند. در این سال،

مجمع سوئدی‌های مقیم آمریکا، لقب «شاخص‌ترین فرد سال سوئد» را به او داد. جایزهٔ سوئدی

سلمانگروف و «جایزهٔ لگو Lego» از کشور دانمارک، به او تعلق گرفت. مؤسسهٔ «Solkatten» را برای

بچه‌های معلول بنا نهاد. ۱۹۸۷ جایزهٔ بین‌المللی لئوتولستوی به او تعلق گرفت.

۱۹۸۹ مدال آلبرت شوایتزر، و دکترای افتخاری از دانشگاه وارسو Warsaw.

۱۹۹۳ جایزهٔ بین‌المللی کتاب، از کمیتهٔ بین‌المللی کتاب یونسکو.

۱۹۹۶ در پارک تنرلوندن Tenerlunden استکهلم، از مجسمهٔ برنزی او پرده برداری شد. این

مجسمه اثر ماجالیزا الکساندرسون Moualisa Alexanderson است.

منابع:

۱- Westin, Boel. children's literature in sweden

۲- lindyren, Astrid. Mio, Myson. Puffin Books

۳- Lindgren, Astrid. Roma, The Roller's Doughter

۴ لیندگرن، آسترید، برادران شیردل، ترجمهٔ اکبر گلرنگ، انتشارات مردمک، ۱۳۶۲.

۵ لیندگرن، آسترید. پی پی جوراب بلند، ترجمهٔ نامدار، انتشارات پدیده ۱۳۴۹

۶ اینترنت.

پاورقی‌ها:

۱ این کتاب را آقای قاسم صفوی، در سال ۱۳۷۴ ترجمه کرده و جهان اندیشه کودکان، منتشر کرده است آخرین ترجمه، از خانم گلی امامی است که در سال ۱۳۷۹، توسط انتشارات هرمس چاپ شده است.

۲ کتاب «رونیا، دختر یک راهزن»، به ترجمهٔ نگارنده، در نشر چشمه زیر چاپ است.

۳ لیندگرن، آسترید، برادران شیردل، ترجمهٔ اکبر گلرنگ، انتشارات مردمک، ۱۳۶۳.

این کتاب را آقای محمد زرین‌بال، در سال ۱۳۷۵ ترجمه کرده و

